

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۱/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۲/۱۵

فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود

سال یازدهم، شماره ۴۳، پاییز ۱۳۹۶

بررسی ویژگی‌ها و شاخص‌های تمدن آخرالزمان از منظر قرآن کریم با تحلیل همانندی‌های آن با حکومت‌های اولیای الهی

مهدی خوشدونی^۱

محمد شب‌دینی پاشاکی^۲

چکیده

یکی از وعده‌های حتمی خداوند به بشریت، ایجاد تمدنی جهانی، فراگیر و کامل برای سعادت حقیقی بشر در آخرالزمان است؛ واقعیت این است که در قرآن به نمونه‌های عینی از این‌گونه تمدن‌ها اشاره شده است؛ ادعا این است که تمدن‌ها و یا به تعبیر قرآن "ملک‌هایی که در قرآن ذکر شده به جهت تفهیم و تثبیت این حقیقت است شکل گرفتن چنین تمدنی، امکان دارد. به عبارتی قرآن درصدد است تا با ذکر قصص بعضی از انبیا و اولیا این حقیقت را تثبیت کند که نمونه‌هایی از این‌گونه تمدن‌ها - هر چند محدود به زمان و مکان - توسط اولیای الهی در زمین شکل گرفته است از این رو با بررسی روایات مربوط به آخرالزمان می‌توان به وجود شباهت‌هایی میان آنها و حکومت‌هایی هم‌چون ذوالقرنین، یوسف، داود و سلیمان نبی و... چنان‌که در قرآن ذکر شده پی برد؛ نتیجه آن که هدف قرآن کریم از ارائه این تمدن‌ها و ذکر قدرت‌های بزرگ و شگفت در آنها، تثبیت امکان رخ دادن چنین تمدنی در سطح فراگیر و جهانی است چنان‌که در آیاتی از قرآن وعده آن نیز داده شده و به گونه‌ای بیانگر توانمندی قرآن در به تصویر کشیدن برخی از جزئیات آخرالزمان است. از دستاوردهای این مقاله اثبات این حقیقت است که در

۱. دانش آموخته دکتری دانشگاه تهران و پژوهشگر پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق علیه السلام قم (نویسنده مسئول)
(hajmahdi133@chmail.ir)

۲. استادیار پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق علیه السلام قم.

قرآن کریم از جزئیات تمدن آخرالزمان و ویژگی‌های آن یاد شده است. این واقعیت سبب تقویت مضمونی روایات مهدویت است که درباره جزئیات و چگونگی حکومت حضرت مهدی علیه السلام و تمدن بی نظیر بحث می‌کند.

واژگان کلیدی

قرآن کریم، تمدن آخرالزمان، حکومت اولیاء الهی، ذوالقرنین، یوسف، داود و سلیمان نبی.

مقدمه

مسئله آخرالزمان و شکل‌گیری یک حکومت و تمدن آرمانی آرزوی بشریت در همه اعصار و دوران‌ها بوده و از این رو مورد توجه و با اهمیت است. هر چند میراث روایی، به وفور به جزئیات و ویژگی‌های تمدن آخرالزمان و حکومت مهدوی پرداخته، اما قرآن کریم به طور صریح و مستقیم به جزئیات آن نپرداخته است؛ از سویی در قرآن کریم به حکومت‌های توحیدی و تمدن‌هایی اشاره دارد که در رأس آنها انبیای الهی و اولیاء قرار دارند؛ مسئله اینجاست که آیا بین تصویرسازی قرآن از این تمدن‌ها با تمدن آخرالزمان ارتباطی وجود دارد؟ و می‌توان شباهت‌هایی بین این حکومت‌ها و ملک‌های توحیدی با تمدن آخرالزمان مشاهده کرد؟ و چنانچه این حقیقت اثبات شود می‌توان بسیاری از ویژگی‌های تمدن آخرالزمان را با توجه به این همسانی از خود قرآن کریم استخراج نمود و به جزئیات پرداخت. هر چند در بعضی از پژوهش‌ها و مقالات از جمله مقاله شباهت‌های حضرت مهدی علیه السلام با پیامبران الهی نوشته روحانی مشهدی و سایر نویسندگان به بعضی از شباهت‌ها بین حضرت مهدی علیه السلام و دیگر انبیاء پرداخته شده است، اما در آنها بیشتر به شباهت تولد و غیبت و... آن هم عموم انبیاء - نه فقط انبیاء صاحب ملک - توجه شده است و به وجود همسانی‌ها در تمدن آخرالزمان با این تمدن‌ها در قرآن کریم نپرداخته از این رو مقاله حاضر از این جهت که به استخراج شاخصه تمدن آخرالزمان از خود قرآن کریم با بهرمندی از این همسانی‌ها پرداخته دارای نوآوری است همچنین در این مقاله به طور ویژه به تمدن‌های توحیدی که توسط انبیا و اولیا تشکیل شده و قرآن از آنها یاد کرده است توجه شده و با توجه به روایات به وجوه همسانی‌ها و شباهت‌ها پرداخته شده است حاصل آن که بی‌گمان یکی از مهم‌ترین اهداف خداوند در قرآن کریم از ذکر جزئیات این تمدن‌ها عینی سازی امکان تحقق دوباره چنین تمدنی است تا به محض برخورد با روایات آخرالزمان و بعضی اخبار به ظاهر عجیب آن بعید بودن این حقایق در اذهان شکل نگیرد؛ از این رو می‌توان بسیاری از شاخص‌ها و مولفه‌های آخرالزمان را از این

تمدن‌ها استخراج نمود که تا کنون از این منظر این تمدن‌ها مورد بررسی قرار نگرفته و کمتر بدان توجه شده است. با توجه به آن‌چه گذشت پژوهش حاضر تلاش دارد تا با احصای ویژگی‌های این تمدن‌ها از قرآن کریم از یک سو و توجه به روایاتی که به این همسانی‌ها اشاره دارند این حقیقت را اثبات کند که قرآن نیز به طور غیر صریح همچون روایات به ویژگی‌های مهم و شاخص تمدن آخرالزمان پرداخته است.

آیات بیانگر آخرالزمان در قرآن

یکی از نویدهای خداوند در قرآن کریم ایجاد تمدنی جهانی، فراگیر و کامل برای سعادت حقیقی بشر است؛ آینده‌ای روشن و درخشان برای بندگان خاص خود؛ تلویحاً تحقق این وعده به آخرالزمان سپرده شده است. هر چند در قرآن کریم آیه‌ای که به طور صریح به آخرالزمان اشاره کند، وجود ندارد، اما آیاتی را می‌توان یافت که دلالت ضمنی بر این مهم دارند. از آن جمله:

۱- «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (انبیاء: ۱۰۵)؛ در «زبور» بعد از ذکر (تورات) نوشتیم: «بندگان شایسته‌ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد.

در این آیه صراحتاً خداوند آینده زمین و حکومت آن را ارث بندگان خاص خود یعنی صالحان قرار داده و با نوید شکل‌گیری چنین حکومتی، زمینی خالی از سلطه هرستمگری را وعده خود می‌داند.

مراد از وراثت زمین این است که سلطنت بر منافع، از دیگران به صالحان منتقل و برکات زندگی در زمین به ایشان اختصاص یابد و این برکات بر می‌گردد به بهره‌مندی صالحان از حیات دنیوی که در این صورت خلاصه مفاد آیه این خواهد بود که: به زودی زمین از لوث شرک و گناه، پاک گشته جامعه بشری صالح که خدای را بندگی کرده و به وی شرک نوزند در آن زندگی خواهند کرد. (طباطبائی، ۱۳۷۴: ج ۱۴، ۴۶۵ - ۴۶۶) و در یک کلام حکومت زمین از آن صالحان خواهد بود.

این برداشت با تبیین عقلی از آیات یاد شده سازگار بوده و دقیقاً روایات اهل بیت علیهم‌السلام در تفسیر این آیه نیز گویای آن است؛ چنان‌که در روایتی از امام باقر علیه‌السلام آمده است:

قوله عز وجل: «أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» هم أصحاب المهدي علیه‌السلام في آخرالزمان؛

منظور از این آیه که «أَنَّ الْأَرْضَ يَرْثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» اصحاب حضرت مهدی علیه السلام در آخرالزمان است. (بحرانی، ۱۴۱۶: ج ۳، ۸۴۸؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ج ۳، ۴۶۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۷، ۱۰۶)

بنابراین برداشت عقلانی مبتنی بر فهم ظاهری از آیه یاد شده دقیقاً گویای این حقیقت است که در آینده نزدیک، حکومت زمین در اختیار صالحان قرار خواهد گرفت. و در روایات هم این بندگان صالح به شیعیان و یاران و اصحاب مهدی علیه السلام تفسیر شده است و به تعبیری این حکومت در زمان حضرت مهدی علیه السلام تحقق می یابد.

۲- «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (قصص: ۵)؛

ما می خواهیم بر مستضعفان زمین ممت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم.

در این آیه، خداوند به بشری که بدان ظلم شده منت نهاده و وعده امامت و حکومت زمین را به او می دهد. هر چند سیاق آیات قبل درباره حضرت موسی علیه السلام است اما، غرض و مفاد سوره قصص، وعده جمیل به مؤمنان با ذکر داستان حضرت موسی علیه السلام و فرعون است یعنی با ذکر داستان حضرت موسی علیه السلام می خواهد آن را برای مؤمنان تعمیم دهد. خداوند در این آیه می گوید: ما خواستیم بر همان ضعیف شدگان از هر جهت، نعمتی ارزانی بداریم که از سنگینی آن گرانبار شوند، به این که خواستیم آنان را پیشوا کنیم، تا دیگران به ایشان اقتدا کنند و در نتیجه پیشرو دیگران باشند، در حالی که سال ها تابع دیگران بودند، و نیز خواستیم آنان را وارث دیگران در زمین کنیم، پس از آن که زمین در دست دیگران بود، و خواستیم تا در زمین مکنت شان دهیم، به این که قسمتی از زمین را ملک آنان کنیم، تا در آن استقرار یافته، و مالک آن باشند (نک: طباطبائی، ۱۳۷۴: ج ۱۶، ۹)؛ این بشارتی است برای همه انسان های آزاده و خواهان حکومت عدل و داد و برچیده شدن بساط ظلم و جور (مکارم، ۱۳۷۴: ج ۱۶، ۱۷).

در روایات نیز آمده است که حضرت مهدی علیه السلام به محض تولد، این آیه و آیه پس از این سوره را به زبان آوردند (نک: بحرانی، ۱۴۱۶: ج ۴، ۲۵۱) - که نشان دهنده ارتباط آیه با مهدویت و آخرالزمان است.

۳- «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»

(نور: ۵۵)؛

خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همان‌گونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشه دار خواهد ساخت و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند، آن چنان که تنها مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت. و کسانی که پس از آن کافر شوند، آنها فاسقان‌اند.

در این آیه خداوند به صراحت به اهل ایمان وعده می‌دهد که آینده امن همراه با قدرت و حکومت، از آن ایشان خواهد بود بدون هیچ‌گونه ترس و خوفی از هر چیزی به عبادت خدا در زمین خواهند پرداخت.

در روایات، این آیه درباره حضرت قائم علیه السلام و پدرانیش - هنگام رجعت - تفسیر شده است. (عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ج ۳، ۶۱۹) و در برخی دیگر نیز در شأن حضرت مهدی علیه السلام و اصحابش تفسیر شده است. (بحرانی، ۱۴۱۶: ج ۴، ۸۹)

۴- ﴿وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنُوا بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا﴾
(نساء: ۱۵۹)؛

همه اهل کتاب تا قبل از موت حضرت عیسی به او ایمان می‌آورد.

مفاد این آیه جز در آخرالزمان محقق نخواهد شد؛ چرا که اکنون بسیاری از اهل کتاب - از جمله یهود - به ایشان ایمان نیاورده‌اند و از دیدگاه قرآن آن حضرت زنده است و در زمان حضرت مهدی علیه السلام باز خواهد گشت و همه اهل کتاب به ایشان ایمان خواهند آورد؛ بنابراین مفهوم این آیه این است که: ضمیر (موت) به عیسی بر می‌گردد و می‌فهماند که عیسی علیه السلام هنوز زنده است و دوباره به سوی اهل کتاب بر می‌گردد تا به او ایمان آورند. (طباطبائی، ۱۳۷۴: ج ۵، ۲۲۰) و این آیه اکنون محقق نشده و بروز آن در آخرالزمان امکان‌پذیر خواهد بود. در منابع روایی نیز به این حقیقت اشاره شده است؛ از جمله:

إن عیسی ینزل قبل یوم القیامة إلى الدنیا فلا یبقی أهل ملة یهودی ولا غیره إلا آمن به قبل موته، و یصلی خلف المهدی؛

حضرت عیسی قبل از قیامت از آسمان به زمین نزول می‌کند، و از اهل یهود و غیر آن نخواهد بود مگر این که قبل از مرگ به حضرت عیسی ایمان آورد و حضرت عیسی پشت سر حضرت مهدی به نماز می‌ایستد (بحرانی، ۱۴۱۶: ج ۲، ۱۹۷)

بنابراین فهم عرفی از آیه و روایات گویای آن است که زمانی برای زمین فرا خواهد رسید که تمام اهل کتاب به رسالت حضرت عیسی ایمان خواهند آورد و این وعده، نویدی از آخرالزمان برای اهل زمین است.

۵- «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (توبه: ۳۳؛ صف: ۹)؛

اوست که پیامبرش را با هدایت و دین حق فرستاد، تا آن را بر همه ادیان پیروز گرداند، هر چند مشرکان خوش نداشته باشند.

موارد استعمال ماده "اظهار" (لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ...) در آیات قرآن نشان می‌دهد که این ماده بیشتر به معنی غلبه جسمانی و قدرت ظاهری آمده است. (مکارم، ۱۳۷۴: ج ۷، ۳۷۱) این آیه با همین الفاظ در سوره "صف" نیز آمده و با تفاوت اندکی در سوره "فتح" هم تکرار شده است، این آیه خبر از واقعه مهمی می‌دهد که اهمیت آن موجب این تکرار شده است: خبر از جهانی شدن اسلام و عالمگیر گشتن این آئین. معنی این سخن آن است که سرانجام اسلام همه کره زمین را فرا خواهد گرفت و بر همه جهان پیروز خواهد گشت. ولی طبق روایات مختلفی که در منابع اسلامی وارد شده تکامل این برنامه هنگامی خواهد بود که "مهدی علیه السلام" ظهور کند و برنامه جهانی شدن اسلام را تحقق بخشد. (نک: مکارم، ۱۳۷۴: ج ۷، ۳۷۲-۳۷۳) در روایاتی از امام باقر علیه السلام آمده است که:

إِنَّ ذَلِكَ يَكُونُ عِنْدَ خُرُوجِ الْمَهْدِيِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ فَلَا يَبْقَى أَحَدٌ إِلَّا أَقْرَبَ مُحَمَّدٍ (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۵، ۳۸)؛

این ماجرا در زمان ظهور حضرت مهدی از آل محمد است که کسی روی زمین باقی نماند جز آن‌که به نبوت محمد صلی الله علیه و آله اعتراف می‌کند.

در روایتی دیگر آمده:

وَاللَّهُ مَا نَزَلَ تَأْوِيلُهَا بَعْدَ، وَلَا يَنْزِلُ تَأْوِيلُهَا حَتَّىٰ يَخْرُجَ الْقَائِمُ عليه السلام، فَإِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ عليه السلام لَمْ يَبْقَ كَافِرٌ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ (عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ج ۲، ۲۱۱؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ج ۲، ۷۷۰).

این روایت نیز بر محقق نشدن این وعده الهی و حقیقت این آیه تا هنگام خروج حضرت مهدی علیه السلام و تحقق آن در آن زمان تاکید دارد.

چنان‌که یادآوری شد این آیه چندین بار در قرآن کریم تکرار شده و این تکرار گویای اهمیت آن است. در این آیه از هدف غایی ارسال رسول خدا صلی الله علیه و آله و دین او سخن به میان آمده و آن فراگیری و جهان شمولی و ابطال سایر ادیان هنوز در ظرف زمانی کنونی تحقق نیافته است و

می‌طلبد زمانی را که در عصری نه خیلی دور تحقق پیدا کند و بی‌گمان آن زمان، آخرالزمان و هنگامه ظهور منجی بشری است؛ نتیجه آن که در این آیه و آیات مشابه آن وعده تحقق آخرالزمان به بشر داده شده است، آخرالزمانی که اسلام در آن دین فائق و غالب است.

﴿بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ (هود: ۸۶)؛

آن چه خداوند برای شما باقی گذارده، برایتان بهتر است.

آیات قرآن هر چند در مورد خاصی نازل شده باشند دارای مفاهیم جامعی هستند که می‌تواند در اعصار و قرون بعد بر مصداق‌های کلی‌تر و گسترده، تطبیق شود. درست است که در آیه مورد بحث، مخاطب، قوم شعیب هستند، و منظور از "بَقِيَّتُ اللَّهِ" سود و سرمایه حلال و یا پاداش الهی است، ولی هر موجود نافع که از طرف خداوند برای بشر باقی مانده و مایه خیر و سعادت او گردد، "بقیة الله" محسوب می‌شود و از آن جا که مهدی موعود علیه السلام آخرین پیشوا و بزرگ‌ترین رهبر انقلابی پس از قیام پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است یکی از روشن‌ترین مصادیق "بقیة الله" می‌باشد و از همه به این لقب شایسته‌تر است (مکارم، ۱۳۷۴: ج ۹، ۲۰۴)

در روایات نقل است که به حضرت مهدی با نام بقیة الله سلام دهید که یکی از نام‌های ایشان است (نک: کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۴۱۲) و هم چنین نخستین سخنی که حضرت مهدی علیه السلام پس از قیام خود می‌گوید این آیه است ﴿بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ سپس در معرفی خود می‌فرماید:

منم بقیة الله و حجت و خلیفه او در میان شما.

سپس هیچ کس بر او سلام نمی‌کند مگر این که می‌گوید:

السلام علیک یا بقیة الله فی ارضه. (نک: قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ج ۶، ۲۲۴؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ج ۲، ۳۹۲)

نتیجه آن که در این آیات و بعضی آیات مشابه، به امکان تحقق آخرالزمان اشاره شده و وقوع آن برای مردم زمین قطعی تلقی گردیده و آن وعده حتمی خداوند برای بشریت است. اکنون با توجه به آن چه گفته شد این پرسش مطرح است که آیا در قرآن کریم، به ویژگی‌ها و شاخصه‌های این تمدن اشاره شده و آیا یک نما و تصویری از این تمدن آخرالزمان در قرآن نمود پیدا کرده است؟

ویژگی‌های تمدن توحیدی از منظر قرآن

واقعیت این است که در قصص قرآن شباهت‌های بسیاری بین تمدن آخرالزمان و این

حکومت‌ها و تمدن‌هایی که ذکر شده وجود دارد، قرآن کریم سرگذشت پیشینیان را مثال و نمونه‌ای برای آیندگان برشمرده است (ابراهیم: ۴۵؛ نور: ۳۴):

﴿فَجَعَلْنَاهُمْ سَلَفًا وَمَثَلًا لِّلْآخِرِينَ﴾ (زخرف: ۵۶)؛

و آنان را پیشینه و مثلی برای آیندگان کردیم.

و از آنان خواسته در این مثل‌ها و نمونه‌ها بیندیشند و تنها دانیان را شایسته چنین اندیشیدنی دانسته است (عنکبوت: ۴۳؛ حشر: ۲۱) و می‌فرماید در قرآن برای هر چیزی مثل و نمونه‌ای آمده (روم: ۵۸) که تنها ستیزه‌جویان (کهف: ۵۴) و حقیقت‌پوشان (اسراء: ۸۹) از آن متذکر نمی‌شوند (زمر: ۲۷).

از آن چه گذشت می‌توان دریافت که بی‌تردید خداوند در قرآن برای مهدویت - که از اعتقادات مسلم اسلام به شمار می‌رود (صافی گلپایگانی، ۱۴۰۰: ۱۵) - مثل‌هایی آورده است تا با تعقل در آن‌ها نسبت به مهدویت بصیرت یابیم و از جمله این مثل‌ها، داستان گذشتگان است که خداوند به صراحت آن را نمونه‌ای برای آیندگان می‌خواند (زخرف: ۵۶). چنان‌چه در روایات گوناگون از شباهت‌های امام قائم به سایر انبیاء از جهات مختلفی اشاره شده است. همچون این روایت که درباره ایشان می‌فرماید:

يُعْطِيهِ اللَّهُ جَلَّ وَعَزَّ مَا أُعْطِيَ الْأَنْبِيَاءَ وَيَزِيدُهُ وَيُفْضِلُهُ (نعمانی، ۱۳۹۷: ۱۴۷)

خداوند هر آن‌چه به انبیاء داده است به ایشان عطا خواهد کرد بلکه بیشتر و بالاتر از آن.

از این رو با استناد به دلایل فراوان قرآنی و روایی، بسیاری از حقایق مهدوی در آیات قصص قرآن بیان شده و شباهت‌های بسیاری میان امام مهدی علیه السلام و پیامبران الهی وجود دارد. بنابر فرمایش خداوند، مطالعه داستان گذشتگان باید مایه عبرت و بصیرت‌بخش باشد (یوسف: ۱۱۱). بنابراین داستان‌های قرآن که همه مسائل را به تفصیل در خود دارد، حتماً دارای نکاتی ارزشمند درباره امام مهدی علیه السلام و دوران ظهور هست؛ زیرا اندیشه مهدویت از اصول اساسی اعتقادات مسلمانان است و بنابر راهنمایی آیات فوق برای فهم و کشف این نکات باید در این آیات بیندیشیم؛ زیرا عبرت یعنی عبور از صحنه‌ای به صحنه دیگر که معادل و موازی و همانند آن است. عبرت از قصص انبیا که خداوند متعال آن را دربردارنده تفصیل هر چیزی شمرده است در حوزه مسائل اعتقادی است؛ زیرا مسائل اعتقادی قابل‌نسخ بین شرایع نیست و همواره دین و اعتقاد همه پیامبران واحد، و آن اسلام بوده است (نک: روحانی مشهدی،

۱۳۹۲: ۸۴-۸۵) بنابراین این ویژگی‌ها را به جهت همسانی‌ها و شباهت‌ها بین تمدن‌های توحیدی قبل می‌توان استخراج کرد.

۱. ذوالقرنین نماد توحیدگستری تمدن آخرالزمان بر روی زمین

ذوالقرنین پادشاهی است که در قرآن کریم - به ویژه در سوره کهف - درباره او، سفرها و کارهایش مطالبی گزارش شده است. این که او نبی الهی بوده یا نه؟ مقوله‌ای نیست که در این پژوهش بگنجد اما قدر متقین این است که ایشان یکی از اولیا و صالحان است که بسان انبیاء مورد توجه و عنایت خداوند بوده و حکومت او به نصرت الهی تأیید شده است. چنان که خداوند درباره حکومت وی می‌فرماید: ﴿إِنَّا مَكَّنَّا لَهُ فِي الْأَرْضِ وَآتَيْنَاهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ سَبَبًا﴾ (کهف: ۸۴) ما به او در زمین، قدرت و تمکن دادیم و از هر چیزی [که برای رسیدن به هدف‌هایش نیازمند به آن بود] وسیله‌ای به او عطا کردیم. "تمکن در زمین" به معنای قدرت تصرف در زمین، تصرفی مالکانه و دلخواه است (طباطبائی، ۱۳۷۴: ج ۱۳، ۴۹۸) و از این رو خداوند، اعطاکننده امکانات گسترده در پهنه زمین به ذوالقرنین است؛ چنان که به عنایت الهی، فهم و درک دستیابی به حل مسائل برای او حاصل شد. (نک: طوسی، بی‌تا: ج ۷، ۸۶) ذوالقرنین به این که امکانات و قدرت وی از سوی خداوند بوده معترف است. (کهف: ۹۵)؛ واقعیت این است که حکومت ذوالقرنین، تحت نظارت مستقیم خداوند بوده است (هاشمی، ۱۳۸۶: ج ۱۴، ۳۰۵) چنان که خداوند درباره او می‌گوید: ﴿كَذَٰلِكَ وَ قَدْ أَحْطَنَّا بِمَا لَدَيْهِ خُبْرًا﴾ (کهف: ۹۱) و این چنین ما از وضعیت او آگاه بودیم. او توانست به شرق و غرب عالم رفته و با عدالت و دادگستری به آبادانی و رفاه مردم آن مناطق کمک کند. حمایت او از محرومان در ایام حکومتش بدون هیچ اجر و مزدی تنها به پشوانه قدرت و مکنت خداوند نشان از روش پیامبرگونه اوست. (نک: کهف: ۸۳-۹۹) هر چند روایات به طور قطعی در تعیین او به عنوان یکی از انبیای الهی نگاه اثباتی ندارند، ولی بر این که وی از سوی خداوند برانگیخته شده و مامور الهی است اتفاق نظر وجود دارد (نک: بحرانی، ۱۴۱۶: ج ۳، ۶۵۹-۶۶۰) آن چه مشخص است ذوالقرنین، دارای حکومتی دینی، مقتدر و بهره‌مند از امکانات مادی است و رویه حکومت او، ظلم‌ستیزی و کفرستیزی است. (نک: کهف ۸۳-۹۹) و به طور کلی حکومت او در جهت ترویج توحید است (هاشمی، ۱۳۸۶: ج ۱۴، ۳۰۵). او با توجه به این همه امکانات مادی و معنوی و اختیارات ویژه‌ای که خداوند به او عطا کرده بود (کهف: ۸۶-۸۸) توانست تمدنی عظیم و توحیدی را شکل دهد. تمدنی که با شهرسازی و ساختمان‌سازی، صنعت دوخت

لباس (کهف: ۹۰) و از همه مهم‌تر ساخت سد عظیم با استفاده از ذوب فلزات و ساخت آلیاژ (کهف: ۹۶) به اوج خدمات و ایجاد امکانات برای مردم آن عصر دست یافت. سدی که نقطه آغاز و پایان آن در تاریخ ماندگار است، نقطه آغاز آن یاری رساندن مظلوم و کمک به بشریت آن روز با استفاده از پیشرفته‌ترین روش و نقطه پایان آن، نقطه عطفی در تاریخ بشر بر روی زمین است به طوری که شکستن این سد و هجوم یاجوج و ماجوج نیز از نشانه‌های ظهور امام و علامت آغاز رجعت است و نزدیکی برپایی قیامت است (انبیاء: ۹۵-۹۷؛ کهف: ۹۸).

الف) ذوالقرنین و امامت

از آن چه گفته شد، بیش از هر چیز اهمیت پیوند ذوالقرنین و اقدامات تمدن‌ساز او با تمدن آخرالزمان به دست می‌آید. و واقعیت این است که در روایات اهل بیت علیهم‌السلام، داستان او را مثلی برای امامان و جایگاه الهی آنان دانسته‌اند (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۲۶۸-۲۶۹، ۳۹۸). و لذا منزلت و جایگاه او را همه امامان معصوم از جمله حضرت مهدی علیه‌السلام برخوردار هستند. البته دارا بودن این مقام برای ائمه، به معنای بروز یافتن تمام مواهب اعطا شده نیست جز در هنگامی که زمینه آن فراهم گردد؛ همان‌گونه که ائمه درباره داوری و حکومت به روش آل داود در صورت قدرت یافتن ادعا نموده‌اند. (نک: کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۳۹۸) بنابراین زمینه حقیقی بروز آن جز در حکومت آخرالزمان تحقق نخواهد یافت.

ب) شباهت‌ها با حکومت حضرت مهدی علیه‌السلام

- حکومت توحیدی؛
- امکانات و اختیارات فراوان؛
- عدل گستری؛
- ظلم ستیزی؛
- گستردگی و پهناوری قلمرو حکومت در سطح دنیا؛
- ایجاد تمدن عظیم و فراگیر.

۲. مکتب یوسف در زمین برگه‌ای از مکتب حکومت صالحان

یکی از انبیاء که به فضل الهی بهره‌ای از قدرت و ملک به ایشان عطا و بر روی زمین به ایشان مکتب داده شد حضرت یوسف علیه‌السلام از نوادگان حضرت ابراهیم علیه‌السلام است، کسی که توانست جامعه‌ای را از نابودی و انحطاط به توحید رهنمون سازد و تمدنی را شکل دهد که نمونه‌ای از حکومت صالحان و اولیا و انبیای الهی بر روی زمین است. خداوند درباره ایشان

می‌فرماید: «وَكَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ» (یوسف: ۲۱، ۵۶): و این‌گونه ما به یوسف در سرزمین (مصر) قدرت و منزلت دادیم.

در سوره یوسف خداوند چگونگی شکوفایی تمدن مصر باستان بدست یک نبی الهی در عصر یوسف علیه السلام را به تصویر می‌کشد. و این تمدن جز با برخورداری یوسف علیه السلام، از نعمت سلطنت و حکومت اعطایی خداوند به ایشان شکل نگرفت. (نک: یوسف: ۵۶)

در روایات نیز به بعضی همسانی‌ها میان یوسف علیه السلام و حضرت مهدی علیه السلام اشاره شده است که سوای همسانی‌ها در غیبت و حضور در بین قوم خود (نک: ابن بابویه، ۱۳۹۵: ج ۱، ۱۴۴؛ مشهدی روحانی، ۱۳۹۲: ۹۳) در آنها از نشانه‌های مکتب گرفتن منجی آخرالزمان بر روی زمین همراه داشتن بعضی از نمادهای انبیاء از جمله پیراهن یوسف است. (نک: ابن بابویه، ۱۳۹۵: ج ۱، ۱۴۳) که پشتوانه و پیش زمینه اقتدار دولت ایشان است.

الف) شباهت‌ها با حکومت حضرت مهدی علیه السلام

- حکومت توحیدی؛

- مکتب و قدرت یافتن بر روی زمین؛

- شکوفایی و ایجاد یک تمدن الهی.

۳. نمونه‌هایی از تبلور حکومت مهدوی در حکومت داود نبی علیه السلام

حضرت داود علیه السلام مشمول مواهب بسیاری چه در جنبه معنوی و چه در جنبه مادی از سوی پروردگار شده بود که آیات قرآن گویای آن است (مکارم، ۱۳۷۴: ج ۱۸، ۲۸) ایشان از جمله انبیا الهی است که خداوند به ایشان مکتب، حکومت و قدرت داد و توانست بر بسیاری از دشمنان خدا فایق آمده و حکومتی مقتدر را بنا سازد خداوند در وصف داود می‌فرماید:

﴿وَأَذْكُرْ عَبْدَنَا دَاوُدَ ذَا الْأَيْدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ * وَسَدَدْنَا مُلْكَهُ وَأَتَيْنَاهُ الْحِكْمَةَ وَفَضَّلْنَا الْخِطَابَ﴾
(ص: ۱۷، ۲۰)

بنده ما داود را که دارای قدرت و نیرو بود (قدرت علمی و جسمی و سلطنتی) به یاد آر، زیرا او بسیار بازگشت‌کننده (به سوی ما) بود. و سلطنت او را (به زیادی عدّه و عدّه) تقویت نمودیم و او را حکمت (دانش‌های عقلی و اجتماعی و شرایع دینی) و سخنانی فیصله‌دهنده (میان حق و باطل) عطا کردیم.

در این آیه خداوند به چهار نعمت ویژه که به ایشان عطا شده اشاره دارد؛ هم‌چنان‌که در جای دیگر درباره این نعمت‌ها می‌گوید:

﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ مِنَّا فَضْلًا﴾ (سبا: ۱۰)

و ما به داوود از سوی خود فضیلتی بزرگ بخشیدیم.

نعمت‌های چهارگانه یاد شده عبارتند از:

ذا الأیید: نعمت قدرت و توانمندی (نک: بحرانی، ۱۴۱۶: ج ۴، ۶۴۵) در علم، حکومت و جنگ‌آوری (نک: طباطبائی، ۱۳۷۴: ج ۱۷، ۲۸۸)؛

شددنا ملکه: حکومتش را قوی گردانیدیم و به عبارتی همه وسائل محکم شدن سلطنت را برایش فراهم کرده بودیم (نک: طباطبائی، ۱۳۷۴: ج ۱۷، ۲۹۰)؛

وءاتینه الحکمة: اعطای حکمت و دانش؛

فصل الخطاب: فهم و علم به قضا و حکومت می‌باشد. (طبرسی، ۱۳۶۰: ج ۲۱، ۸۳)

در جای دیگر می‌فرماید: ﴿وَسَخَّرْنَا مَعَ دَاوُدَ الْجِبَالَ يُسَبِّحْنَ وَالطَّيْرَ وَكُنَّا فَاعِلِينَ﴾ (انبیاء: ۷۹)

ما کوه‌ها و پرندگان را نیز در تسخیر حضرت داود علیه السلام قرار دادیم.

و در نهایت خداوند نعمت را بر او اتمام نموده و می‌فرماید: ﴿يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ...﴾ (ص: ۲۶)؛ خداوند حضرت داود علیه السلام را در زمین خلیفه و جانشین خویش قرار

می‌دهد تا این که ﴿فَأَحْكُمُ بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ﴾ (ص: ۲۶) در میان مردم به حق داوری نماید.

از مجموع آن چه در بررسی آیات حضرت داود علیه السلام به دست می‌آید به وی قدرت و حکومت

مقتدر در روی زمین اعطا شده است به طوری که کوه‌ها و جمعیت پرندگان (ص: ۱۸-۱۹) نیز

زیر سلطه ایشان است، تا جایی که می‌فرماید: ما طیر را هم تسخیر کردیم با داوود، که بی‌اختیار

و به اجبار دور او جمع می‌شدند (نک: طباطبائی، ۱۳۷۴: ج ۱۷، ۲۸۹) افزون بر آن مقام خلافت

الهی است پس از این انتخاب و تشکیل حکومت مقتدر الهی، خداوند به آن حضرت اجازه

می‌دهد بدون بینه به داوری و قضاوت بین مردم بپردازد.

در آیات ۱۷ تا ۱۹ سوره "ص" نیز به وجود تمدن و حکومت در دوران داود نبی علیه السلام که خلیفه

خداوند بر روی زمین است، اشاره شده است؛ تمدنی کوچکی که می‌خواهد مقدمه تشکیل

تمدن بزرگ‌تری در زمان سلیمان نبی گردد.

شبهات‌های این حکومت با حکومت حضرت مهدی علیه السلام عبارتند از:

- قدرت فراگیر و ایجاد یک تمدن الهی بر روی زمین (ص: ۱۷-۱۹)؛

- وجود توانمندی‌های شگفت در حکومت (سبا: ۱۰-۱۱)؛

- امکانات فراوان ﴿أوتینا من کلّ شیء﴾ (نمل: ۱۶)؛

- عدالت‌گستری

و قضاوت بدون بینة (ص: ۲۶).

در مورد اخیر روایات قابل توجهی، بر یکسانی روش حضرت مهدی علیه السلام در قضاوت و داوری با حضرت داود علیه السلام دلالت دارند؛
از جمله:

أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام يَقُولُ لَا تَذْهَبِ الدُّنْيَا حَتَّى يَخْرُجَ رَجُلٌ مِّنِّي يَحْكُمُ بِحُكْمَةِ آلِ دَاوُدَ وَلَا يَسْأَلُ بَيْنَتَهُ يُعْطِي كُلَّ نَفْسٍ حَقَّهَا (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۳۹۸)؛
دنیا به پایان نخواهد رسید مگر آن که مردی از ما خروج خواهد کرد، که طبق حکومت آل داود (داود و سلیمان نبی) حکم می‌کند، شاهد و دلیل نمی‌خواهد و حق هر کس را به تمام می‌دهد.

و در روایتی دیگر، هنگامی که از ایشان سؤال می‌شود: چنان چه یکی از شما (ائمہ) قدرت را به دست بگیرد چگونه حکم و حکومت خواهد کرد، در پاسخ می‌فرماید: "بِحُكْمِ اللَّهِ وَ حُكْمِ دَاوُدَ" (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۳۹۸): به حکم خدا و بر گونه داوری حضرت داود علیه السلام (بدون بینة).
از مجموع آن چه که بیان شد می‌توان دریافت که در داستان داود نبی در قرآن همسانی‌هایی چه در حکم و چه حکومت و تمدن دیده می‌شود. واقعیتی که روایات نیز آن را تایید می‌کنند.

۴. حکومت عصر سلیمان نبی علیه السلام، تبلوری بی نظیر از تمدن آخرالزمان

حضرت سلیمان علیه السلام از انبیای برجسته است که خداوند نیروهای عظیم و امکانات بسیار در اختیار او قرار داده بود، تا آن جا که رعد و برق و جن و انس و همه پرنندگان و چرندگان و حیوانات دیگر تحت فرمان او بودند؛ و او زبان همه آنها را می‌دانست. و بر سراسر زمین فرمانروایی می‌نمود. حضرت سلیمان علیه السلام از خداوند حکومت بی نظیر را طلب نمود و این درخواست مورد اجابت قرار گرفت. ﴿قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَهَبْ لِي مُلْكًا لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِّنْ بَعْدِي إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ﴾ (ص: ۳۵) و تا زمان حضرت مهدی علیه السلام که عصر تمدن آخرالزمان است نظیر آن تشکیل نخواهد شد. چنان که تعبیر قرآن از این حکومت با عنوان "ملک سلیمان" (بقره: ۱۰۲) گویای شوکت آن است. با بررسی و تحلیل ملک سلیمان به شباهت‌های بسیار نزدیک میان تمدن سلیمان با تمدن عصر ظهور بر می‌خوریم که نشان‌دهنده این حقیقت است که حکومت و قدرت هیچ یک از انبیای الهی به اندازه ملک و حکومت سلیمان نبی علیه السلام به تمدن عصر ظهور حضرت مهدی علیه السلام شباهت ندارد و این حقیقتی است که می‌توان از در خواست حضرت سلیمان علیه السلام از خدا درباره اعطای حکومت بی نظیر دریافت (ص: ۳۵) این خود اهمیت

بررسی دقیق‌تر این حکومت را نمایان می‌سازد؛ حکومتی که با تاییدات و تعلیم الهی تبلوری بی‌نظیر از تمدن عصر مهدوی است. ویژگی‌های این دولت عبارتند از:

الف) حکومتی بی‌نظیر و گسترده‌گی قلمرو

حکومت حضرت سلیمان علیه السلام چنان گسترده و سراسری بود که مطابق نقل، از جمله کسانی است که بر دنیای آن روز سلطه و حکومت داشته است:

أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مَلِكُ الْأَرْضِ كُلِّهَا أَرْبَعَةُ مُؤْمِنَانِ وَ كَافِرَانِ فَأَمَّا الْمُؤْمِنَانِ فَسَلِيمَانُ بْنُ دَاوُدَ وَ ذُو الْقَرْنَيْنِ وَ الْكَافِرَانِ مُزْرُودٌ وَ بُخْتُ نَصْرُ ابْنِ بَابُوِيَه، ۱۳۶۲: ج ۱، ۲۵۵؛
 امام صادق علیه السلام فرمود: «چهار نفر بر سراسر زمین فرمانروایی کردند که دو تن از مؤمنان بودند و دو نفر از کافران. مؤمنان عبارت بودند از سلیمان و ذو القرنین علیهما السلام - علیهما السلام - و کافران عبارت بودند از بخت النصر و نمروء.

روایت پیش‌گفته نشان از گسترده‌گی حکومت حضرت سلیمان علیه السلام دارد. ناگفته نماند حاکمیت سرتاسر زمین الزاماً به معنای سلطنت بر جزء جزء سرزمین‌های کره خاکی منظور نیست چه بسا که حاکمیت بخش عمده از جهان و یا سیطره کلی بر بخش اعظمی از دنیاست که این تحلیل بر حاکمیت دنیا قابل انطباق‌تر و قابل پذیرش‌تر خواهد بود؛ البته نیز بعضی به‌طور حقیقی آنها را ملک و حاکم تمام زمین دانسته‌اند (نک: مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۶۸، ۶۶) از آن‌چه گفته شد و هم چنین آیه: ﴿وَلِسَلِيمَانَ الرِّيحَ غَدُوْهَا شَهْرًا وَ رَوَاحَهَا شَهْرًا...﴾ (سبا: ۱۲) یعنی ما برای سلیمان باد را در شعاع یک ماه راهی که انسان‌ها طی می‌کنند مسخر کردیم، به طوری که مسیر "غدو" یعنی از اول روز تا ظهر آن یک ماه باشد، و مسیر "رواح" یعنی از ظهر تا به عصرش نیز یک ماه باشد، و در نتیجه از صبح تا به غروب دو ماه مسافت را طی کند. (طباطبائی، ۱۳۷۴: ج ۱۶، ۵۴۷) با همه آن‌چه گفته شد می‌توان دریافت که حکومت حضرت سلیمان علیه السلام از گسترده‌گی و وسعت قلمرو برخوردار بوده است چنان‌که نیاز داشت برای طی مسافت دو ماه، به امر الهی با تسخیر باد مسافت دو ماه را در یک روز طی کند.

ب) عظمت و مکنات الهی

خداوند در قرآن در آیه ۱۲ و ۱۳ سوره سبأ، گوشه‌ای از عظمت و امکانات وسیع سلیمان را بازگو کرده و چنین می‌فرماید: "و برای سلیمان علیه السلام باد را مسخر کردیم که صبحگاهان مسیر یک ماه را می‌پیمود، و عصرگاهان مسیر یک ماه را، و چشمه مس (مذاب) را برای او روان ساختیم،

و گروهی از جنّ پیش روی او به اذن پروردگارش کار می‌کردند، و هر یک از آنها که از فرمان ما سرپیچی می‌کرد، او را عذاب آتش سوزان می‌چشانیدیم. آنها هر چه سلیمان علیه السلام می‌خواست برایش مهیا می‌کردند، معبدها، تمثال‌ها، ظروف بزرگ غذا همانند حوض‌ها، و دیگ‌های ثابت (که از بزرگی قابل حمل و نقل نبود، و به آنان گفتیم: ای آل داوود! شکر (این همه نعمت را) به جا آورید، ولی گروه اندکی از بندگان من شکر گزارند).

خداوند مواهب عظیمی به این پیامبر بزرگ بخشید، مرکبی بسیار سریع و تندرو که با آن می‌توانست در مدتی کوتاه، سراسر کشور پهناورش را ببیناید، موادّ معدنی فراوان برای انواع صنایع و نیروی فعال کافی برای شکل دادن به این مواد معدنی به او عطا کرد. او با بهره‌گیری از این وسایل، معابد بزرگی ساخت. و مردم را به پرستش خدای یکتا ترغیب نمود، و برای پذیرایی از لشکریان و مستضعفان، امکانات گسترده‌ای در اختیارش قرار گرفت و در برابر این همه مواهب، خداوند به او دستور شکرگزاری داد. «اعْمَلُواْ اِلَّآءَ اِلَّآءِ دَاوُدَ شُكْرًا» (سبا: ۱۳)

ج) خلافت الهی بر روی زمین

سلیمان خلافت الهی را پس از پدرش بر روی زمین به ارث برد و خلیفه روی زمین شد. یعنی هم‌چنان‌که خداوند به داود می‌گوید: «يَا دَاوُدُ اِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِى الْاَرْضِ» (ص: ۲۶) در جای دیگر می‌فرماید: «وَوَرَّثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ» (نمل: ۱۶) از این رو وی خلافت الهی بر روی زمین رابه امر خداوند از پدرش به ارث برد.

د) قدرت‌های شگفت و فوق‌العاده

در این ملک وجود کارهای عجیب و بزرگ و نیز قدرت‌های خارق‌العاده گویی پدیده‌ای طبیعی به نظر می‌رسد، وجود افرادی برخوردار از نیروی خارق‌العاده، در میان اطرافیان سلیمان علیه السلام از آن جمله است؛ در سوره نمل از آزمون دشوار برگزار شده در میان سپاهیان حضرت سلیمان علیه السلام اعم از جنّ و انس سخن به میان آمده است، چنان‌که قدرت‌نمایی برای جابه‌جایی یک تخت، بین جن و انسی - که وصی نبی - است بر سر سرعت آوردن آن چنان نمود دارد و با آوردن آن تخت در کمتر از یک چشم بهم زدن در برابر از جای بلند شدن نمایان است و برنده این قدرت‌نمایی انسان در برابر جنیان است و آن هم انسانی است که تنها بخشی از علم الكتاب نزد اوست. «قَالَ الَّذِى عِنْدَهُ عِلْمٌ مِّنَ الْكِتَابِ اِنَّا اَتَيْنَكَ بِهٖ قَبْلَ اَنْ يَّرْتَدَّ اِلَيْكَ ظَرْفُكَ فَلَمَّا رَاَهُ مُسْتَقَرًّا عِنْدَهُ قَالَ هٰذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّىْ...» (نمل: ۴۰) «کسی که نزد او دانشی از کتاب [الهی] بود، گفت: من آن را پیش از آن‌که چشم خود را بر هم زنی برایت می‌آورم. پس چون [سلیمان] آن [تخت] را نزد خود مستقرّ دید، گفت: این از فضل پروردگار من است تا مرا بیازماید که آیا سپاسگزارم یا ناسپاسی

می‌کنم و هرکس سپاس گزارد، تنها به سود خویش سپاس می‌گزارد و هر کس ناسپاسی کند، بی‌گمان پروردگارم بی‌نیاز و کریم است.»

خطاب سلیمان علیه السلام به بزرگان قوم خویش است: «ایها الملاء» و از ایشان می‌خواهد میزان توان خود را در آوردن تخت بلقیس از فاصله‌ای طولانی (حدود ۱۰۰۰ کیلومتر) مشخص کنند. بزرگ از عفریت طایفه جن، سرعت آوردن تخت بلقیس را به اندازه از جای برخاستن سلیمان علیه السلام طرح کرده و آصف، سرعت کار خود را به میزان چشم برهم‌زدنی بیان می‌کند.

استفاده سلیمان علیه السلام از جنیان، در قلمرو حکومتی‌اش، نشانه اقتدار حکومت وی است. حضور جنیان در خدمت این حکومت و تمدن و کمک در انجام کارهای گوناگون، عجیب، خارق‌العاده و بزرگ، از جمله شهرسازی، حضور در لشکریان و انجام کارهای مهم و فوق‌العاده از دیگر عجایب این قدرت است؛ جنیانی که هم قصرهای زیبا می‌سازند و هم غواصی می‌کنند:

﴿وَمِنَ الشَّيْطَانِ مَنْ يَغْوِصُونَ لَهُ وَيَعْمَلُونَ عَمَلًا دُونَ ذَلِكَ وَكُنَّا لَهُمْ حَفِظِينَ﴾
(انبیاء: ۸۲)

﴿وَالشَّيْطَانُ كُلُّ بَنَاءٍ وَعَوَاصٍ﴾. (ص: ۳۷)

و در این میان هر که سرهمکاری ندارد در زنجیر و در بند می‌شود. ﴿وَآخِرِينَ مُقَرَّنِينَ فِي الْأَصْفَادِ﴾. (ص: ۳۸) و دیگران از شیاطین را (که در پی گمراهی خلق بودند، به دست او در غل و زنجیر کشیدیم. (نشان از قدرتمندی) هم چنین در سوره سبأ درباره خدماتی که اجنه به حضرت سلیمان علیه السلام ارائه می‌دادند، آمده است:

و برخی از جن به فرمان پروردگارشان پیش او کار می‌کردند و هر کس از آنها از دستور ما سر برمی‌تافت از عذاب سوزان به او می‌چشانیدیم؛ [آن متخصصان] برای او هر چه می‌خواست از نمازخانه‌ها و مجسمه‌ها و ظروف بزرگ مانند حوضچه‌ها و دیگ‌های چسبیده به زمین می‌ساختندای خاندان داوود شکرگزار باشید و از بندگان من اندکی سپاسگزارند. (سبأ: ۱۲-۱۳)

در این آیات، دست کم پنج موضوع در ارتباط با جنیان مطرح شده است:

۱. جریان چشمه‌های مس و به کارگیری اجنه در این راستا؛
۲. ساخت محاریب؛ محراب‌ها، برج‌ها و یا قصر؛ (آلوسی، ۱۴۱۵: ج ۱۱، ۲۹۳)
۳. ساخت تماثیل؛

۴. ساخت ظرف‌هایی همچون حوض؛

۵. ساخت دیگ‌های ثابت و بزرگ غیرقابل انتقال.

با تأمل در این آیات، پرسش‌هایی جدی بروز می‌کند از جمله آن که آیا سلیمان علیه السلام جامعه‌ای وهمی را سامان داده است که در آن بناهای عظیم ناگهان ساخته می‌شود؟ ظروف غذای عظیم به یک باره شکل می‌گیرد؟ محاریب به صورت اتّفاقی بنا می‌شود؟ در حالی که هیچ اثری از سازندگان آن مطرح نیست؟ که اگر چنین باشد، چه موضوعی در تربیت رقم خواهد خورد؟ و آیا این روال، جامعه را به سمت وهم بیشتر خواهد برد یا به سوی هدایت و ارتقاء و کمال؟ نخست آن که: مرئی بودن اجنه حقیقتی است که در زمان حضرت سلیمان علیه السلام رخ داد چنان‌که حضور جنیان در نزد اهل آن مجلس زورآزمایی بزرگ - جابه‌جایی تخت بلقیس - کاملاً آشکار است؛ زیرا نخست عرصه، عرصه زورآزمایی دو طایفه است، بی شک زورآزمایی دو طایفه‌ای که یکی از ایشان مشاهده نمی‌شود، موضوعی مضحک و تنش‌آفرین است.

و دوم اگر اجنه تنها برای حضرت سلیمان علیه السلام قابل رؤیت بودند، او باید تنها ایشان را مورد خطاب قرار می‌داد نه آن که بزرگان خویش در هر طایفه‌ای را مورد خطاب قرار دهد و ایشان نیز پاسخ گویند.

دیگر آن که: جامعه سلیمانی جامعه‌ای همسو با تربیت الهی است؛ چنان که خداوند می‌فرماید:

﴿وَأَوْثَرْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضْعَفُونَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَعَارِبَهَا الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَكَمَتَتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنَىٰ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ بِمَا صَبَرُوا وَدَمَرْنَا مَا كَانَ يَصْنَعُ فِرْعَوْنُ وَقَوْمُهُ وَمَا كَانُوا يَعْرِشُونَ﴾ (اعراف: ۱۳۷)؛

و به آن گروهی که پیوسته تضعیف می‌شدند [بخش‌های] باختر و خاوری سرزمین [فلسطین] را که در آن برکت قرار داده بودیم، به میراث عطا کردیم و به پاس آن که صبر کردند، وعده نیکوی پروردگارت به فرزندان اسرائیل تحقق یافت و آن چه را که فرعون و قومش ساخته و افراشته بودند، ویران کردیم.

و در فرایند تربیت، این انسان خلیفه‌الله و اشرف مخلوقات است که دشمن آشکار بشر را به خدمت گرفته و آنان را در جهت تأمین منافع الهی به کار می‌گیرد. در این میان، نوع سخن، چگونگی تعامل و نوع تربیت سلیمانی در پیچیده‌ترین شرایط موجود است که می‌تواند ارائه‌گر «مُلک الهی» و نشان دهنده توان «مَلِک الهی» در اداره توحیدی یک جامعه باشد.

هـ، قدرت و اقتدار

از مشخصه‌های بارز دیگر این ملک، قدرت و اقتدار نامحدود و بی‌نظیر بود، که در جلوه‌های گوناگونی نمایان می‌شد؛ از جمله: لشکری انبوه، آمادگی نظامی، تسخیر جنیان و تسلیم شدن قدرت‌های بزرگ.

۱. لشکری انبوه از انواع صنوف (جن و انس، و پرندگان و...)

از جمله ابزارهای قدرت حضرت سلیمان وجود لشکری انبوه از انواع صنوف حتی غیر بشر از جنیان گرفته تا پرندگان و از جمله قدرت‌های ابزاری است که خداوند به خلیفه خود بر روی زمین داده است. بنابراین آمادگی ابزاری و توانمندی فوق‌العاده و شگفت‌آوری در اختیار ایشان بود به عبارتی جنیان و پرندگان، بخشی از نیروهای نظامی او بودند. «خَشِرَ لِسُلَيْمَانَ جُنُودَهُ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَالطَّيْرِ» (نمل: ۱۷)

در آیات سوره نمل مشخص است که سه نوع لشکر برای سلیمان علیه السلام وجود داشته است: سپاهسانی از جن و انس و پرندگان و این موضوع برای جانداران مختلف هم آشکار بوده است. سخن مورچه درباره لشکر سلیمان در سوره نمل، از «جنود» سلیمان علیه السلام است و نه «جند» سلیمان، مورچه از کجا می‌دانست که سلیمان علیه السلام لشکری از جنیان دارد؟ آیا جز این است که آنان را همچون لشکر انسان‌ها و پرندگان، در هیبتی مادی می‌دید؟ چنان که در سوره نمل آمده است:

و برای سلیمان سپاهانش از جن و انس و پرندگان جمع‌آوری شدند و [برای رژه] دسته دسته گردیدند؛ تا آن‌گاه که به وادی مورچگان رسیدند، مورچه‌ای [به زبان خویش] گفت: ای مورچگان به خانه‌های خود داخل شوید، مبادا سلیمان و سپاهانش ندیده و ندانسته شما را پایمال کنند.

۲. آمادگی نظامی فوق‌العاده

از دیگر عطایایی که حضرت سلیمان علیه السلام در اختیار داشت، قدرت و آمادگی نظامی بی‌نظیر همراه با افراد بسیار و قدرتمند است، که هیچ ارتشی توان ایستادگی در برابر آن را نداشت. تهدید ملکه سبا از سوی سلیمان علیه السلام به ارسال نیروهای نظامی قدرتمند با افراد بسیار زیاد، برای جنگیدن با آنها، در صورت تسلیم نشدن از نمونه‌های آن است؛ چنان‌که خداوند از زبان سلیمان علیه السلام در قرآن کریم می‌فرماید: «فَلَنَأْتِيَنَّهُمْ بِجُنُودٍ لَّا قِبَلَ لَهُمْ بِهَا» (نمل: ۳۷) لشکری به سوی آنان گسیل خواهیم داشت که کسی را توانای مقابله با آن نباشد و برای آن نمونه‌ای نیست. از دیگر نمونه آمادگی نظامی حضرت سلیمان علیه السلام تربیت اسب‌های نفیس و تیزرو است و

ایشان با هدف قدرت‌نمایی از آنها سان می‌بیند. ﴿إِذْ عَرَضَ عَلَيْهِ بِالْعَشِيِّ الصَّافِيَاتُ الْجِيَادُ * فَقَالَ إِنِّي أَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَيْرِ...﴾ (ص: ۳۱-۳۲)

۳. تسخیر اجنه

از دیگر نشانه‌های اقتدار و قدرت فراوان حکومت حضرت سلیمان توانایی تسخیر اجنه و اجرای کارهای سخت و طاقت‌فرسای جنیان، در حکومت وی بود و چنان‌چه همکاری نمی‌کردند بعضی از آنها در غل و زنجیر به زندان می‌افتادند. ﴿فَسَخَّرْنَا لَهُ الرِّيحَ... وَ الشَّيَاطِينَ... وَ آخِرِينَ مَقَرَّنِينَ فِي الْأَصْفَادِ﴾. (ص: ۳۶، ۳۸) و شیاطین را در تسخیر او قرار دادیم و دیگران از شیاطین را (که در پی اضلال خلق بودند، به دست او) در غل و زنجیر کشیدیم. و جنیان تا خبر دار شدن از مرگ او در عذاب مهین و سخت بودند. (سبا: ۱۴) خداوند در جایی دیگری از قرآن می‌فرماید: ﴿وَ مِنَ الْجِنِّ مَن يَعْمَلُ بَيْن يَدَيْهِ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَ مَن يَزِغُ مِنْهُمْ عَن أَمْرِنَا نَادِقَهُ مِنْ عَذَابِ السَّعِيرِ﴾ (سبا: ۱۲) و از طایفه جن کسانی بودند که به اذن پروردگار او در خدمت سلیمان کار می‌کردند و هر یک از آنها که از فرمان ما سر می‌تافت از آتش شعله‌ور به او می‌چشانندیم.

۴. تسلیم شدن قدرت‌های بزرگ

قدرت‌های بزرگ آن عصر تسلیم حضرت سلیمان عليه السلام بودند و چنان‌که در روایت گزارش شد ایشان اگر نگوییم حاکم سرتاسر زمین دست کم حاکم بخش اعظمی از سرزمین‌های بزرگ و قدرتمند عصر خویش بوده است و در داستان بلقیس ملکه سبا با این‌که دارای لشکری قوی و انبوه بوده و مشاوران نظامی بلقیس نیز این واقعیت را بدو گوشزد می‌کنند و می‌گویند: ﴿نَحْنُ أَوْلُوا قُوَّةً وَ أَوْلُوا بِأَسِيِّ شَدِيدٍ﴾ (نمل: ۳۳) ملکه سبا با درک قدرت‌های مختلف و عجیب سلیمان ناگزیر از سازش و در نهایت تسلیم شد. او خود زمانی که درباره یکسانی عرش او با عرش موجود در قصر سلیمان مورد سؤال قرار گرفت، می‌گوید: ﴿وَ أَوْتَيْنَا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهَا وَ كُنَّا مُسْلِمِينَ﴾ (نمل: ۴۲) ما پیش‌تر از چنین سلطنت و قدرتی خبر داشتیم؛ یعنی نیازی به این اشاره و تذکر نیست، چرا که ما پیش از دیدن این معجزه، از قدرت او و از این حالت خبر داشتیم و تسلیم او شده بودیم و لذا در اطاعت و فرمان او سر فرود آورده‌ایم. (طباطبائی، ۱۳۷۴: ج ۱۵، ۵۲۱)

و) ثروت انبوه

در ملک سلیمان آن‌چه که مشهود و نمایان است ثروت و مکتب انبوه است، ثروت بی‌کرانی که در سایه آن رفاهی فراگیر در آن تمدن شکل گرفته، قصرها و کاخ‌های مجلل و با شکوه ساخته می‌شد که تماماً نمادی از قدرت الهی و حکومت خلیفه‌الله بر روی زمین به شمار

می‌رفت. به طوری که وقتی ملکه سبا برای جلوگیری از جنگ و حمله حضرت سلیمان علیه السلام به سرزمین اش پیشکش مالی قابل توجهی را برای ایشان می‌فرستد پیشنهاد کمک مالی به سلیمان علیه السلام، موجب ناخشنودی آن حضرت شده و در پاسخ این اقدام می‌فرماید:

﴿أُمِدُّوْنِي بِمَالٍ فَاآتَانِي اللهُ خَيْرًا مِمَّا آتَاكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بِهَدْيِكُمْ تَفْرَحُونَ﴾ (نمل: ۳۶)؛

شما خواهید که مرا به مال دنیا مدد کنید؟ آن چه خدا به من (از ملک و مال بی‌شمار) عطا فرموده بسیار بهتر از این مختصر هدیه شماست که به شما داده، بلکه شما مردم دنیا خود بدین هدایا شاد می‌شوید.

از سویی شیاطین که اساسا همان جنیان سرکش هستند در حکومت سلیمان ناگزیر از خدمت‌گزاری هستند، هر یک از آنها که غواصی را می‌دانسته می‌بایست برای وی در دریاها غواصی کرده، و مروارید و سایر منافع دریایی را برایش استخراج کند. (طباطبائی، ۱۳۷۴: ج ۱۷، ۳۱۲) بنابراین غواصی شیاطین برای استخراج مروارید خودفزونی ثروت را برای این دولت به ارمغان داشت. و غیر از مروارید، بسیاری دیگر از چیزهای گرانبها و با ارزش چون دُر و جواهر و... را برای ایشان به دست می‌آوردند و نقل است که اولین کسی که از دریا لولو و مرجان استخراج کرد حضرت سلیمان علیه السلام بود (نک: حقی بروسوی، بی‌تا: ج ۸، ۳۷) چنان‌که در قرآن به صراحت به این نکته اشاره شده است:

﴿الشَّيَاطِينُ كُلٌّ بِنَاءٍ وَغَوَاصٍ﴾ (ص: ۳۷).

﴿وَمِنَ الشَّيَاطِينِ مَنْ يَغُوضُونَ لَهُ﴾ (انبیاء: ۸۲).

اینها و عوامل بسیاری دیگر ثروتی عظیم را برای این ملک الهی به ارمغان آورده بود.

ح) شهرسازی و قصرسازی نمادی از تمدن دوره سلیمان

سلیمان علیه السلام دارای قصر و تشکیلاتی بس آباد و معمور و نیز کاخی زیبا و مزین به بلور و نقوش بلورین بود وی توانسته بود به عنایت الهی در شهرسازی، قصرسازی و برج‌سازی نمونه‌ای بی‌نظیر در تمدن عصر خویش را به نمایش گذارد؛ نقل‌های افسانه‌ای از کاخ‌های سلیمان و یا معبد سلیمان خود گویایی این حقیقت است. هم‌چنان‌که ساخته شدن قصر سلیمان علیه السلام از آبگینه‌های آب‌نما، نشان از تمدن عظیم در آن دوران دارد (هاشمی، ۱۳۸۶: ج ۱۶، ۳۰۶)؛ در قرآن کریم هنگام بیان نمونه‌ای از این معماری و هنر بی‌نظیر داستان ورود ملکه سبا به کاخ بلورین و آبگون سلیمان را به تصویر می‌کشد که زن باهوش و با درایتی چون بلقیس نیز با دیدن آن دچار خطای دید شده و صحن این قصر را مملو از آب می‌پندارد در حالی که اگر آبی نیز

وجود داشت با روکشی از بلور مزین شده بود و سطح آن از بلور شفاف بود؛

﴿فَبَلَّهَا أَذْخُلِي الصَّرْحَ فَلَمَّا رَأَتْهُ حَسِبَتْهُ لُجَّةً وَكَشَفَتْ عَنْ سَاقِهَا قَالِ إِنَّهُ صَرْحٌ مُّمَرَّدٌ مِنْ قَوَارِيرَ﴾ (نمل: ۴۴)؛

به او گفتند: به حیاط قصر درآی. هنگامی که آن را دید، پنداشت آبی فراوان [چون دریاچه] است، پس دامن جامه از دو ساق پایش بالا زد [که به خیال خود وارد آب شود]، سلیمان گفت: این محوطه‌ای است صاف و هموار از شیشه.

ناگفته نماند این نوع پیشرفت، دستاورد حضور جنیان و کمک آنها در معماری و کاخ سازی بود. ﴿وَمِنَ الْجِبِّ مَنْ يَعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ... يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَحَارِبَ...﴾ (سبأ: ۱۲-۱۳) بعضی محارِب را به معنای کاخ و قصر دانسته‌اند (آلوسی، ۱۴۱۵: ج ۱۱، ۲۹۳) و نیز خداوند به صراحت می‌فرماید: ﴿الشَّيَاطِينُ كُلُّ بِنَاءٍ وَغَوَاصٍ﴾ (ص: ۳۷): بعضی از این شیاطین جنی برای ایشان بنایی می‌کردند.

ز رفاهی فراگیر و اختیارات فراوان

در این دوره از تمدن رفاه و آسایشی فراگیر در سایه حکومت نبی خدا و عنایت ویژه خداوند به ایشان، در جامعه شکل گرفته بود. ﴿أوتینا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ...﴾ (نمل: ۱۶) از هر چیز به ما عطا گردیده این فضیلتی آشکار است. «نعمت‌هایی مانند: علم و نبوت و ملک و حکم، - قدرت بر داوری صحیح - و سایر نعمت‌های مادی و معنوی. (طباطبائی، ۱۳۷۴: ج ۱۵، ۵۰۰) ﴿فَمَا آتَانِي اللَّهُ خَيْرٌ مِمَّا آتَاكُمْ﴾ (نمل: ۳۶) می‌خواهید مرا با مال کمک کنید (و فریب دهید)؟! آن چه خدا به من داده، بهتر است از آن چه به شما داده است. و عمران و آبادانی در سرزمین تحت حکومت سلیمان عليه السلام چنان فراگیر است که خداوند به سلیمان می‌گوید: ﴿هَذَا عَطَاؤُنَا فَامْتُنْ أَوْ أَمْسِكْ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾ (ص: ۳۹): عطای ما حساب و اندازه ندارد. که اگر تو از آن زیاد بذل و بخشش کنی، کم شود. پس هر چه می‌خواهی بذل و بخشش بکن. (طباطبائی، ۱۳۷۴: ج ۱۷، ۳۱۲)

نتیجه آن که در دوران سلیمان تمدنی بزرگ و بی نظیر از ابعاد گوناگون ظهور یافت.

ک، شباهت‌های حکومت سلیمان نبی عليه السلام با مهدی موعود عليه السلام در آینه روایات

همان‌گونه که از تحلیل آیات مرتبط با حکومت و تمدن سلیمان می‌توان دریافت این تمدن نزدیک‌ترین و شبیه‌ترین تمدن به تمدن آخرالزمان است، روایاتی نیز اشاره به شباهت‌های حکومت مهدی موعود عليه السلام به انبیاء الهی دارند. بیشترین فراوانی و تاکید این دست روایات درباره شباهت و همسانی دولت مهدوی با حکومت سلیمان نبی عليه السلام است؛ به عبارتی از آیات

قرآن و روایات می‌توان دریافت که شبیه‌ترین حکومت و ملک به دولت آخرالزمان، حکومت سلیمان نبی علیه السلام است. ناگفته نماند از تحلیل حکومت‌هایی چون ذوالقرنین، یوسف و داوود علیهم السلام، این‌گونه به نظر می‌رسد که اینها دولت‌هایی بودند که مرحله به مرحله به مرتبه کامل‌تری از خود به ویژه در زمان حضرت سلیمان علیه السلام رسیده‌اند، یعنی هریک مقدمه و نویدبخش شکل‌گیری تمدن بعدی و به نوعی مرحله گذار بودند تا به شکل جامع و کامل خود در مقطعی از تاریخ برسند و در نهایت نیز به دست منجی آخرالزمان این تمدن به شکل کامل‌تر و بهتر نمایان گردد. بدین منظور قرآن کریم تلاش دارد با عینی‌سازی و تاکید بر واقعیت وجود چنین حکومت‌های توحیدی دارای عظمت و تمدن، تحقق دوباره آن برای بشر را امری عادی، امکان‌پذیر و مسلم جلوه نماید.

چنان‌که در روایت است که امام باقر علیه السلام درباره قیام حضرت مهدی علیه السلام و شیوه حکومت ایشان می‌فرماید:

يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا وَيَفْتَحُ اللَّهُ لَهُ شَرْقَ الْأَرْضِ وَعَزَبَهَا وَ يُقْتَلُ النَّاسُ حَتَّى لَا يَبْقَى إِلَّا دَيْنُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَسِيرُ بِسِيرَةِ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ (طوسی، ۱۴۱۱: ۴۷۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۲، ۲۹۱)؛

او زمین را پر از عدل و داد می‌کند، هم‌چنان‌که پراز ظلم و ستم شده باشد خداوند شرق و غرب زمین را برای او می‌گشاید و چندان از مردم بی‌دین به قتل می‌رساند که جز دین محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ باقی نماند، و او به روش سلیمان بن داود حکومت می‌کند.

روایت یاد شده در نهایت با این عبارت "سیره حکومت او همچون سلیمان نبی علیه السلام است" در تشبیه این حکومت و تمدن، نگاه مخاطب را به شیوه حکومت سلیمان نبی علیه السلام معطوف نموده و به عبارتی می‌گوید اگر می‌خواهید بدانید حکومت او و تمدن عصر او چگونه خواهد بود نمونه قبلی آن، تمدن عصر سلیمان نبی علیه السلام است که با بررسی و تحلیل آیات تمدن سلیمان می‌توان ویژگی‌های تمدن آخرالزمان را از آن استخراج نمود.

شاخصه‌ها و ویژگی‌هایی که در این روایت (و روایات بعدی) برای حکومت ایشان بیان شده عبارت‌اند از:

۱. حکومت توحیدی؛
۲. ظلم‌ستیزی؛
۳. عدالت‌گستری و قسط‌محوری؛
۴. گستردگی و پهناوری قلمرو حکومت در سطح دنیا؛

هم چنان که در روایت قبلی ذکر شد از دیگر شباهت های حکومت مهدوی با سلیمان نبی علیه السلام گستردگی حکومت است. در روایت دیگری نیز به سه حکومت توحیدی جهانی در طول تاریخ اشاره شده است که دو مورد از آن در تاریخ بشر تحقق یافته و سومین آن مربوط به منجی آخرالزمان خواهد بود:

عن ابن عباس، قال: قال رسول الله ﷺ: ملك الأرض أربعة مؤمنان وكافران فالمؤمنان ذو القرنين وسليمان والكافران نمرود وبخت نصر وسيملكها خامس من أهل بيتي (شريف قريشي، ۱۴۱۷: ۲۸۵؛ عبدالعظيم البستوي، ۱۴۲۰: ۳۷۶)؛
ابن عباس صحابه رسول خدا از پیامبر ﷺ نقل می کند که ملک تمام زمین چهار نفر بودند که دو تن از آنان از مؤمنان و دو نفر آنان از کافران، مؤمنان ذوالقرنین و حضرت سلیمان و کافران نمرود و بخت النصر و بدانید به زودی فرزندی از اهل بیت من به عنوان پنجمین نفر سلطنت و حکومت تمام زمین را به عهده خواهد گرفت.

این روایت در منابع اهل سنت نقل شده است. و در منابع شیعه از چهار ملک که تاکنون حاکم زمین بوده اند نام برده شده است ولی در این روایت از حاکم شدن نفر پنجمی بر سرتاسر زمین خبر می دهد.

۵. رفاه فراگیر و ثروت بی کران؛

روایات بر رفاه گسترده و ثروت در تمدن آخرالزمان اشاره دارد به عنوان نمونه از رسول اکرم ﷺ نقل است که درباره زمان حکومت موعود ﷺ می فرماید:

تخرج الأرض برکتها و تعيش امتی فی زمانه عیشا لم تعشه قبل ذلك فی زمان قط (سیدین طاوس، ۱۳۷۰: ۱۶۵)؛

زمین تمام برکات خود را نمایان می سازد و مردم امت من چنان زندگی توام با رفاه و آسایشی خواهند داشت که تا پیش از آن برای بشر هنوز اتفاق نیافتده است.

۶. قدرت های عجیب (تسخیر باد و شیاطین و...):

هم چنان که قدرت های عجیب و کارهای مافوق توان بشر در دولت سلیمان انجام می شد روایاتی نیز از چنین ویژگی هایی در دوران حکومت آخرالزمان خبر می دهد.

چنان که در زمان سلیمان برخی از شیاطین در بند بودند در زمان مهدی موعود ﷺ، ابلیس - از بزرگان اجنه نافرمان - سربریده شده و برای همیشه بشریت از دست او رهایی می یابد. "و جاء إبليس حتی یجثوبین یدیه علی رکبته فیقول: یا ویله من هذا الیوم - فیأخذ بناصيته فیضرب عنقه - فذلک الیوم هو الوقت المعلوم" (عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۲، ۲۴۲): هنگامی که قائم ما ظهور

کند شیطان به حضور آن حضرت می‌آید و زانو به زمین زده و می‌گوید: «یا ویل من هذا اليوم؛ ای وای از این روز.» آن‌گاه امام قائم موی پیشانی شیطان را می‌گیرد و گردنش را می‌زند. در روایتی دیگر از امام باقر علیه السلام است در حالی که امام صادق علیه السلام شاهد ماجراست و این روز همان وقت معلوم است. امام باقر علیه السلام در ضمن یک محاجه طولانی علمی با یکی از اصحاب به او می‌فرماید:

فَوَدِدْتُ أَنْ عَيْنِكَ تَكُونُ مَعَ مَهْدِيِّ هَذِهِ الْأُمَّةِ، وَالْمَلَائِكَةُ بِسُيُوفِ آلِ دَاوُدَ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ تُعَذِّبُ أَرْوَاحَ الْكُفْرَةِ مِنَ الْأَمْوَاتِ، وَتُلْحِقُ بِهِمْ أَرْوَاحَ أَشْبَاهِهِمْ مِنَ الْأَحْيَاءِ (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۲۴۴)؛

دل‌م می‌خواست با چشمت مهدی این امت (امام دوازدهم) را می‌دیدی در حالی که فرشتگان، ارواح کفار مرده را با شمشیر آل داود بین زمین و آسمان، عذاب می‌کنند و ارواح زندگان هم فکر ایشان را (که در زمین هستند) به آنها ملحق می‌نمایند.

در این روایت حضور ملائکه در جبهه حضرت مهدی علیه السلام با شمشیرهای که متعلق به آل داود است بر تکرار همان عجایب در زمان حضرت قائم علیه السلام و همسانی‌ها و ارتباط این عجائب با حکومت آل داود (به ویژه حضرت سلیمان علیه السلام) دلالت دارد.

هم چنین نقل است که وقتی قائم ما ظهور کند خاتم (انگشتی) سلیمان در اختیار ایشان است. (نعمانی، ۱۳۹۸: ق ۲۳۸) درباره خاتم سلیمان چنین گفته شده که وقتی آن را در دست می‌کرد خدای متعال برای وی باد و پرندگان و فرشتگان را مسخر می‌فرمود. و هم چنین است که چون حضرت مهدی علیه السلام قیام کند باد به امر الهی به هر سرزمینی می‌رود و خبر از حکومت مهدی علیه السلام می‌دهد. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۲۸۶) و به عبارتی بادها در تسخیر دولت آخرالزمان است. از دیگر عجایب تمدن آخرالزمان نزول ملائکه به همراهی رهبر این حکومت است. (نعمانی، ۱۳۹۸: ق ۳۰۹)

ل) قضاوت بدون بینه

روایات درباره همسانی قضاوت حاکم آخرالزمان، با داود نبی و حضرت سلیمان علیه السلام بسیار فراوان است آن‌چنان‌که می‌توان در مورد آن ادعای تضافر کرد؛ که به نمونه‌هایی از آن پیش‌تر در گفتار مربوط به حضرت داود علیه السلام اشاره شد. نمونه‌ای دیگر از این روایات به شرح زیر است:

يَأْمُرُ مُنَادِيًا فَيُنَادِي هَذَا الْمُهْدِيُّ يَقْضِي بِقَضَاءِ دَاوُدَ وَ سُلَيْمَانَ لَا يَسْأَلُ عَلَى ذَلِكَ بَيِّنَةً (النعمانی، ۱۳۹۸: ق ۳۱۳)؛

این همان مهدی علیه السلام است که مانند دادرسی داود و سلیمان قضاوت می‌کند و بر آن

قضاوت، شاهد نمی‌طلبد.

إِذَا قَامَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ ﷺ حَكَمَ بِحُكْمِ دَاوُدَ وَ سُلَيْمَانَ لَا يَسْأَلُ بَيْنَهُ (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۳۹۷)؛

هنگامی که قائم آل محمد ﷺ قیام کند همانند داود و سلیمان نبی بدون درخواست دلیل و بینة قضاوت می‌کند.

شاخصه‌های تمدن آخرالزمان از منظر قرآن

از آن چه گفته شد می‌توان به شباهت‌ها و ارتباط‌های تمدن آخرالزمان با تمدن‌هایی که در قرآن کریم از آنها یاد شده پی برد، و به‌طور مستقیم شاخصه‌ها و مولفه‌های این تمدن را به عنوان شاخصه‌های تمدن آخرالزمان برشمرد چرا که این تمدن‌ها نمونه‌های کوچکی از تمدن آخرالزمان هستند و در نگاه کلی شاخصه‌ها و مولفه‌های موجود در تمدن آخرالزمان با توجه به قرآن کریم عبارت‌اند از:

- حکومت توحیدی؛
- مکننت و قدرت یافتن بر روی زمین؛
- ایجاد تمدن عظیم و فراگیر؛
- امکانات و اختیارات فراوان؛
- عدل‌گستری و قسط‌محوری؛
- ظلم‌ستیزی؛
- گستردگی و پهنآوری قلمرو حکومت در سطح دنیا؛
- قضاوت بدون بینة؛
- رفاه فراگیر، فروانی نعمت و ثروت بی‌کران؛
- وجود قدرت‌های شگفت و فوق‌العاده.

نتیجه‌گیری

در قرآن کریم هرچند به مباحثی در پیوند با آخرالزمان پرداخته شده، اما به‌طور مستقیم و صریح به ویژگی‌های تمدن آخرالزمان نپرداخته است و این جزئیات را باید در روایات پی‌گیری و بررسی کرد، از سوی قرآن حاوی قصصی است که به تعبیر خود قرآن عبرت و مایه‌پند برای آیندگان است، از جمله آنها داستان‌های قدرت‌ها، حکومت‌ها و تمدن‌هایی است که در عصر بعضی از انبیا و اولیا تشکیل شده‌اند، این داستان‌ها ما را به این حقیقت رهنمون می‌سازند که

شباهت‌هایی بین این تمدن‌های یاد شده و تمدن آخرالزمان وجود دارد و گویی قرآن می‌خواهد امکان تشکیل دوباره آن به‌طور گسترده‌تر القا کند؛ و روایات نیز ما را به وجود این شباهت‌ها و ارتباط این قصص قرآنی با تمدن آخرالزمان رهنمون می‌سازند بنابراین ترسیم این حکومت‌ها در قرآن می‌تواند تبلوری از حکومت مهدوی را برای بشر ملموس کند و در پایان باید گفت:

نخست: آیاتی از قرآن کریم دلالت بر وقوع تمدن آخرالزمان (جامعه آرمانی) دارد؛ دوم: روایات به‌طور جزئی ما را از ویژگی‌ها، بهره‌مندی‌ها، قدرت‌ها و امکانات فوق‌العاده و بسیار عجیب آن تمدن‌ها باخبر می‌سازد.

سوم: در قرآن کریم، از انبیایی یاد شده که دارای ملکی عظیم بوده و نمونه‌هایی از قدرت‌ها و توانمندی‌های عجیب را دارا بودند؛

چهارم: بعضی از روایات به شباهت‌ها و همسانی‌هایی مابین تمدن آخرالزمان - به رهبری خلیفه الله (مهدی موعود) - با تمدن انبیاء و اولیاء دارای مکتب و قدرت و ملک اشاره دارد.

با توجه به آن چه گفته شد: بسیاری از خصوصیات حکومت مهدوی در قصص قرآن مورد اشاره قرار گرفته شده و شباهت‌های بسیاری میان امام مهدی علیه السلام و پیامبران الهی وجود دارد و هدف قرآن کریم از ذکر زندگی بعضی از انبیاء صاحب دولت، حکومت گسترده و قدرتمند و دارای امکانات مادی و معنوی و توانمندی‌های عجیب و خارق‌العاده، القاء امکان وقوع مجدد چنین ملک و تمدنی در گستره‌ای فراتر برای بشر در روی زمین و به دست یک خلیفه الهی است. تا این حقیقت برای آنها ملموس گردد که چنانچه زمانی چنین حکومتی بوده امکان تحقق دوباره آن برای اذهان آسان و امکان پذیر آید. با بررسی که انجام شد مشخص شد که بیشترین شباهت‌ها و همسانی‌ها به تمدن آخرالزمان - با تطبیق آیات و روایات در این باره - مربوط به حکومت و دولت عصر حضرت سلیمان علیه السلام است. از این رو پیشنهاد می‌شود برای تحقیق و جستجو و تبیین بهتر شاخصه‌های تمدن آخرالزمان از نگاه قرآن کریم بایستی شاخصه‌های تمدنی دولت حضرت سلیمان علیه السلام بیشتر مورد مذاقه قرار گیرد.

منابع

- آلوسی سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق
- ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ ش
- _____، کمال الدین و تمام النعمه، تهران، اسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۹۵ ق
- بحرانی، سیدهاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ ق
- حقی بروسوی، اسماعیل، تفسیر روح البیان، بیروت، دارالفکر، بی تا
- روحانی مشهدی، فرزانه و سایر نویسندگان، مقاله شباهت های امام مهدی علیه السلام، فصل نامه علمی پژوهشی مشرق موعود، بهار ۱۳۹۲، ش ۲۵
- سید ابن طاووس، الملاحم والفتن فی ظهور الغائب المنتظر علیه السلام، قم، شریف رضی، چاپ اول، ۱۳۷۰ ش
- شریف القرشی، باقر، حیاة الإمام المهدی علیه السلام، بی جا، ابن المؤلف، ۱۴۱۷ ق
- صافی گلپایگانی، لطف الله، اصالت مهدویت، قم، انتشارات مسجد جمکران، ۱۴۰۰ ق
- طباطبائی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، ۱۳۷۴ ش
- طبرسی، فضل بن حسن، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات فراهانی، تهران، اول، ۱۳۶۰ ش
- _____، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، سوم، ۱۳۷۲ ش
- طوسی محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا
- _____، الغیبة (للطوسی)/ کتاب الغیبة للحجة، دار المعارف الإسلامية، قم، چاپ اول، ۱۴۱۱ ق
- عبدالعظیم البستوی، موسوعة فی أحادیث الإمام المهدی، الضعیفة والموسوعة، بی جا، بی نا، چاپ اول، ۱۴۲۰ ق
- عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، قم، انتشارات اسماعیلیان، ۱۴۱۵ ق
- عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، تهران، المطبعة العلمیة، ۱۳۸۰ ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، به تحقیق: علی اکبر غفاری و آخوندی، تهران، دارالکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ ق
- قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، تهران، سازمان چاپ و

- انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، اول، ۱۳۶۸ ش
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بيروت، دار إحياء التراث العربي، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.
- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الإسلامية، تهران، ۱۳۷۴ ش
- نعمانی ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم، الغیبة (للنعمانی)، تهران، نشر صدوق، چاپ اول، ۱۳۹۷ ق
- هاشمی رفسنجانی، اکبر و محققان، فرهنگ قرآن، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۶ ش